



مفسر مثنوی مولوی بود. مخاطبان برنامه «زندگی پس از زندگی» اجرای گرم، توانمند و معنوی او را فراموش نخواهند کرد. اینجانب مراتب تسلیت خود را به فرزندان داغدارش و جامعه رسانه‌ای و قرآنی کشور ابراز داشته و برای آن عزیز سفرکرده علو درجات را از درگاه حق مسئلت می‌نمایم.»

فرزانه مرحوم آقای مهندس علیرضا فتحی‌پور، مدیرگروه علوم قرآنی شبکه رادیویی قرآن برای همه کسانی که او را می‌شناختند غمی طاقت‌فرساست. مرحوم فتحی‌پور، مدیری پرتلاش و پیرانگیزه برای شبکه قرآن، مجری متخصص در برنامه‌های معارفی سیما و قاری زبده و خوش صدا، پژوهشگر قرآنی توانا و

پیام تسلیت معاون سیما در پی درگذشت علیرضا فتحی‌پور

حمید شاه‌آبادی، معاون سیما در پیامی درگذشت علیرضا فتحی‌پور، از مدیران و مجریان صداوسیما و از چهره‌های قرآنی را تسلیت گفت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، متن پیام تسلیت معاون سیما به این شرح است: «بسم... الرحمن الرحیم / انالله و انا الیه راجعون / درگذشت قرآن‌پژوه

هاویر به تعبیر دارویت و قویدل

❖ **خانم دارویت، شما در این سریال نقش يك دختر عشایری به نام هاویر را بازی کردید که در موقعیت‌های مختلف با بحران‌های عاطفی رو به رو می‌شود. به همین دلیل بالا و پایین زیاد دارد. وقتی این نقش به شما پیشنهاد شد، آیا ما به ازایی داشتید؟**

آوا دارویت، بازیگر نقش هاویر: از همان ابتدا از نام هاویر شروع می‌کنم که به معنایی به یادماندن است. هر بازیگر خانمی دوست دارد چنین نقشی را بازی کند. نقشی که جسور، قدرتمند و پیر از چالش باشد و با بحران‌های مختلف هم رو به رو شود. هاویر قصه از بحران عاطفی گرفته تا مرگ عزیزان و شرکت در جنگ را تجربه می‌کند. او يك زن عشایر است که از کشورش دفاع می‌کند. به همین دلیل چنین نقشی به لحاظ روانی و جسمانی راحت نبود و باید اکثر سکانس‌ها بسیار هم قدرتمند ظاهر می‌شدم. دودیدن، راه رفتن، نوع اسلحه گرفتن و... هاویر متفاوت بود. تلاشم را در حد توانم کردم تا هاویر برابر مردان قوی قصه باشد. در مجموع هاویر را خیلی دوست دارم. تا به امروز شانس بازی کردن نقش‌های خوب زیاد داشتم، اما هاویر دوست داشتنی‌ترین نقشی بوده که تا به امروز بازی کرده‌ام. از کارگردان و تهیه‌کننده ممنون هستم که به من اعتماد کردند و این نقش زیبا را دادند.

❖ **برای صحنه‌هایی که هاویر اسلحه دست می‌گیرد، آموزش دیده بودید؟**

دارویت: قبل از ایلدا برای سریال دیگری آموزش گرفتن اسلحه را دیده بودم، اما برای ایلدا باید اسلحه برنو دست می‌گرفتم که بسیار سنگین و متفاوت با دیگر اسلحه هاست. به همین دلیل قبل از ضبط خیلی تمرین می‌کردم.

❖ **در قسمتی که چند شب پیش پخش شد هاویر مقابل ایرج می‌ایستد و می‌خواهد او را بکشد، اما در تضاد فکری هم به سر می‌برد که آیا ایرج را ببخشد یا نه و بعد که ایرج مورد اصابت گلوله قرار می‌گردد با خودش نجوا می‌کند و... همین صحنه قطعا برایتان با چالش همراه بود. درباره این صحنه توضیح می‌دهید که برایتان سخت نبود؟**

دارویت: از قبل خیلی با آقای قویدل حرف زده بودم و او مرا راهنمایی کرده بود که دو دل بودن هاویر را نشان بدهد. به همین دلیل این دیالوگ را می‌شنوید که می‌گوید به من حتی اجازه بخشیدن را ندادید. من آمده بودم که ایرج را ببخشم. وقتی هابیر با این صحنه رو به رو می‌شود، می‌شکند. او در مقطعی پدرش را از دست می‌دهد و بعد تمام امیدش مردی می‌شود

قویدل: البته ایرج منفی نیست. من مدافع حقوق ایرج هستم.

دارویت: فکر می‌کنم یکبار دیگر هم سر صحنه گفته بودم ایرج منفی است و آقای قویدل از این شخصیت دفاع کرد. در واقع منظور من این است که شخصیت ایرج را هم می‌شود دوست داشت و گاهی با او همذات‌پنداری کرد و این اعجاز سینماست.

❖ **خب آقای قویدل شما که شخصیت ایرج را دوست دارید و مدافعش هستید، چرا این قدر زود با آن خدا حافظی کردید؟**

قویدل: ایرج يك شخصیت ملموس با تمام اشتباه‌های يك آدم واقعی است. او انقدر عاشق است که زیاد اشتباه می‌کند. طبیعتا آدمی که خیلی اشتباه دارد، زود می‌میرد.

❖ **دلیل عجیب و جالبی است! به هر حال فکر می‌کردیم با این حجم از تیری که خورد باز زنده می‌ماند!**

قویدل: چرا؟!

❖ **شوخی کردیم، چون در واقع زیاد دوام آورد! اصلا یکی از صحنه‌هایی که خیلی به آن انتقاد شده، مرگ ایرج است. او با وجود این که تیرهای زیادی خورده است مسافت طولانی خود را روی زمین کشید تا به برادرش برسد. واقعا با این مقدار درد و خونریزی منطقی نیست!**

قویدل: تنش گرم است و متوجه نمی‌شود.

❖ **یعنی در این حد؟ شیرزاد با يك تیر کشته شد. ایرج هم اگر کمتر تیر می‌خورد و این گیر منطقی به وجود نمی‌آید تاثیرگذاری صحنه بیشتر می‌شد.**

قویدل: تازه من از مسوول جلوه‌های ویژه دو تا بیشتر خواسته بودم، اما دو تا از تیرها در جلوه‌های ویژه کار نکرد.

❖ **خدا را شکر! ایرج خود را روی دست‌های زخمی می‌کشد و این باورپذیری را برای من مخاطب کم می‌کند.**

قویدل: اینجا باید به انگیزه دقت کرد.

❖ **او برای رسیدن به برادرش این کار را می‌کند ولی این دلیل هم به خاطر شرایط دشوار فیزیکی قانع‌کننده نیست.**

قویدل: باید دید چرا می‌خواهد این کار کند. اگر سریال را دقیق دیده باشید، برادرش دو بار در طول قصه می‌خواهد به دلیل قولی که در بچگی به او داده در آغوشش بکشد و ایرج او را پس می‌زند. حالا می‌بینیم با تمام زخم‌ها خود را می‌کشد تا جبران کند. آنچه شما را اذیت کرده، سختی مسیر است و من همین را می‌خواستم. می‌خواستم تماشاگر، بیننده این آزار باشد تا بداند این کار راحت نیست. بغل کردن باید در وقتش اتفاق می‌افتاد، الان که زمانش گذشته است شخصیت باید این زجر را بکشد. این رخداد برای تطهیر شخصیت ایرج است.

❖ **با تمام اینها وقتی این سکانس را می‌بینی فکر می‌کنی تیر به سینه ایرج خورده و باید خیلی زودتر بمیرد.**

قویدل: من جاهایی که تیر اصابت می‌کند را دقیقا محاسبه می‌کنم. اگر به ارگان‌های حیاتی بخورد معمولا درجا کار تمام می‌شود. در صورت اصابت به بعضی جاهای بدن هم آثاری مثل خون بالا آوردن دارد که پخش احتمالا ایراد می‌گیرد. می‌خواهم بگویم جنبه‌های



نمای تیر خوردن ایرج در سریال ایلدا با واکنش‌های زیادی مواج‌شد / عکس: روابط عمومی سینما فیلم

مخاطبان و منتقدان درباره این سریال می‌گویند

سستندنگاری نیست!

در غرب ایران رنگ و لعاب تازه‌ای به موضوع دادند تا برای مخاطبان تماشایی‌تر شود. گرچه این سریال کاستی‌هایی هم دارد. بنابراین به پنهان‌پخش این سریال میزبان علیرضا سیط احمدی، تهیه‌کننده، راما قویدل کارگردان، آوا دارویت، کاظم هژیرآزاد، سینا رازانی، غلامرضا علی‌اکبری و رضانجفی (بازیگران سریال ایلدا) شدیم و آنها پاسخگوی سوالات و نقدهای روزنامه جام جم شدند. همچنین آنها در این نشست درباره سختی‌های ساخت آثاری از این دست آن هم در لوکیشن‌هایی در دل طبیعت و حوادثی برپایش رخ داده، گفتند.

❖ **این منحنی رشدی که در شخصیت کریم به آن اشاره کردید، قرار است مخاطب را غافلگیر کند؟**

رازانی: غافلگیر نه، چون فکر می‌کنم شاید خیلی از آدم‌های جامعه در آن شرایطی که اتفاق می‌افتد همین واکنش را نشان می‌دهند و دچار بلوغ می‌شوند.

قویدل: اتفاقا به نظر غافلگیرکننده است. در واقع کریم از وادی حرف به وادی عمل می‌رود. ویژگی‌ای که کمتر از شخصیت او دیدیم. در این مدت کریم بیشتر حرف زده است و حرکت خاصی از او ندیدیم، یعنی دیالوگ بیشتر از اکت بوده است و از يك جای قصه این موضوع جابه‌جا می‌شود.

رازانی: پاسخ من به این جهت بود که شاید اگر هر کسی در این شرایط قرار بگیرد دست به عمل می‌زند.

قویدل: طبیعتا، اما منحنی برای شخصیت کریم ساختیم که در نقطه اوجش حرکتی از او می‌بینیم که خیلی توقع نداریم.

❖ **آقای هژیرآزاد شما نقش يك خان جوانمرد و با وجدان را بازی می‌کنید که این روزها کمتر مابه‌ازای آن را می‌بینیم. مصادیق شخصیتی شیرعلی خان را می‌شناختید؟**

هژیرآزاد: وقتی سناریو را خواندم دیدم الگوهایی شبیه این آدم را در زندگی‌ام می‌شناسم و در وصفشان خوانده‌ام. مثلا در محله‌مان شخص کاریزماتيك و عاقلی هست که همه به او گوش می‌دهند. به نظر اتفاقا نمونه شیرعلی خان در جامعه هست و این شخصیت به خود هم نزدیک است. به همین خاطر رسیدن به این نقش برایم آسان‌تر از نقشی مثل کریم بود. در این مورد می‌خواستم به سینا رازانی تبریک بگویم، چون به من یاد داد در تعامل با کارگردان می‌توان نقش را رشد داد و به چیز دیگری بدل کرد.

قویدل: فروتنی سینا بیش از اندازه بود. واقعا در شکل گرفتن

نقش کریم تاثیر بسزایی داشت. **هژیرآزاد:** سینا مودب و با ملاحظه است و حتی به دیگر بازیگرانی هم که مقابل دوربین می‌رفتند ایده می‌داد تا هم خودش و هم دیگری دیده شوند. اگر هم طرف مقابل اعتراض داشت، بلافاصله عذرخواهی می‌کرد. واقعا از او درس گرفتم. حتما با کارگردان بعدی همین‌طور رفتار خواهم کرد. من پیش از این برای تعامل با کارگردان اجمالت می‌کشیدم. برای يك جمله که در فیلمنامه نمی‌فهمیدم چیست، رویم نمی‌شد با آقای قویدل صحبت کنم.

داریم. یکی شیخ رحیم که تبعید شده و دیگری برفی که بنا بر شرایطی در میان قوم خود تنهاست. این باعث می‌شود رابطه دوستانه‌ای میا این دو نفر ایجاد شود. تا اینجا سریال بیشتر معرفی این شخصیت‌ها را داشتیم و از این به بعد بیشتر وارد قصه می‌شوند. این شخصیت را دوست داشتم و با آن زندگی کردم، این که چقدر خوب از آب درآمده باشد به نظر تماشاگر بستگی دارد.

❖ **برای رسیدن به این نقش ونمود بیشتر تنهایی‌آن چقدر با آقای قویدل تعامل داشتید؟**

نجفی: آقای قویدل معمولا دست بازیگر را باز می‌گذارد و بعد نکاتی را اصلاح می‌کند. برخی کارگردانان برای بازیگر بازی می‌کنند، اما او اصلا چنین کاری انجام نمی‌دهد. فقط برداشت بازیگر از آن شخصیت را تصحیح می‌کند.

❖ **آقای علی‌اکبری شما پیش از این نقش روحانی بازی کرده بودید. نقش شیخ رحیم چه تفاوتی با آنها دارد؟**

علی‌اکبری: فیلمنامه را که خواندم. از ویژگی‌های این شخصیت خوشم آمد. تمام تلاشم را کردم که نقش با کارهای قبلی‌ام متفاوت باشد و به نظر من حتی با روحانی‌هایی که در سریال‌های دیگر دیده‌ایم تفاوت دارد.

سیط احمدی: حدود ۵۰۰۰۰ هنرور، نزدیک ۱۵۰ انفجار فیزیکی، ۱۵۰ جاشنی بدنی داشتیم و حدود ۱۰ هزار گلوله شلیک شد. با تمام اینها به جرات می‌گویم بودجه سریال ما از يك سریال آپارتمانی فعلی تلویزیون کمتر است و گاهی شرمنده دوستان می‌شوم که چندماه حقوقشان عقب افتاده است.

هژیرآزاد: در واقع با وجود مشکلات مالی، ۱۳ ماه کار کردن و سه ماه دستمزد گرفتن با همدلی و رفاقت سعی کردیم کار را به نقطه پایانی برسانیم چون دیدیم باید این سریال ساخته شود و حرف آن به گوش مردم برسد.

قویدل: از همه گروه تشکر می‌کنم که در شرایط سخت و غیرمعمول کار کردند. تاکید می‌کنم این سریال يك روایت داستانی است و وقایع‌نگاری مستند نیست. قصدمان آزردن کسی نبوده است، اما اگر کسی را رنجاندم عذرخواهی می‌کنم.

